



روپای « ناتوی عربی » سلمان چگونه در حال محو شدن است؟

هرچند به تازگی درگیری های میان قطر و عربستان سعودی نمود بارزی پیدا کرده و به یک چالش اساسی برای پادشاهی عربستان در منطقه تبدیل شده، این موضوع از مدتها قبل در جریان بوده است و از سوی دیگر، نشانه ای اساسی از عدم ظرفیت دیپلماتیک عربستان برای نگه داشتن ائتلاف منطقه ای علیه ایران است.

به گزارش آران نیوز: هنوز دامنه و امواج درگیری لفظی و عملی میان سران سعودی و قطری ادامه دارد و ماجراهایی که از مدت ها پیش بین دو کشور بر سر موضوع اخوان المسلمین آغاز شده، و در کنفرانس اخیر عربی - آمریکایی سر باز کرده است، شکاف های عمیق در ائتلاف ظاهری عربستان علیه ایران را نشان می دهد.

عربستان سعودی توانسته با تلاش بسیار 41 کشور مسلمان منطقه را تحت لوای ائتلافی به عنوان مبارزه با تروریسم و با هدف مهار منطقه ای ایران شکل دهد؛ اما آنچه اکنون نشانه های بارز و آشکار بیان می کند، این است که این ائتلاف، که به عقیده بسیاری، مبنایی برای ایجاد یک ناتوی عربی نیز بوده است، تنها شکل و شمایل یک ائتلاف جدی را داشته و در باطن از شکاف های اساسی رنج می برد.

قطر که برای مدتها یکی از همراهان اصلی منطقه ای عربستان در سیاست خارجی بوده است، در ادامه درگیری ها با عربستان سعودی بر سر مسأله اخوان المسلمین، اخیرا نشان داده که تمایل چندانی به همراهی با دستورکارهای سیاست خارجی ملک سلمان و پادشاهی سعودی ندارد. اظهارات امیر قطر در گفت و گوی تلفنی با حسن روحانی نشان داد، این کشور بنا به دلایلی که از جمله آنها می توان نشان دادن استقلال رأی در سیاست خارجی و مقابله با عربستان سعودی و نه الزاما همراهی و همکاری جدی با ایران را برشمرد، سعی در افزایش فاصله با خاندان سعودی در منطقه دارد.

این موضوع به ویژه بعد از برگزاری شوی عربی - آمریکایی در ریاض برای ملک سلمان، موضوعی حیثیتی و هزینه بر بوده است. در حالی که پادشاه سعودی تمام تلاش خود را کرد تا بلوک ضد ایرانی در منطقه را با حمیات متحدان غربی مستحکم و خلل ناپذیر نشان دهد و تنها چند روز بعد از سفر ترامپ به منطقه، با تمامی اظهارات ضد ایرانی اش، نقشه و رویای ناتوی عربی برای ملک سلمان نقش بر آب می شود.

چگونه روپای «ناتوی عربی» ملک سلمان در حال محو شدن است؟ حرکت آل سعودی از غرب آسیا به شمال آفریقا خروج قطر از دستور کار ملک سلمان و خاندان سعودی نشان داد که در زیر پوسته به ظاهر سخت این ائتلاف ضد ایرانی، شکاف ها و سیالیت اساسی وجود دارد که نماد بارزی از درک نادرست سیاستگذاران عربستان از ساز و کار دیپلماسی و فقدان اطلاع از الفبای ائتلاف و اتحاد است. کویت همچنان به عنوان میانجی میان ایران و عربستان تمایل زیادی به دامن زدن به تنش های منطقه ای در تعارض با ایران ندارد و پاکستان خطوط قرمز خود را برای الحاق به ائتلاف سعودی ها بیان کرده است.

اکسپرس تربیبون روز گذشته در این باره نوشته است: هرچند به نظر می رسد پاکستان پیش از این با مجوز دادن به «راحیل شریف» برای دست گرفتن فرماندهی ائتلاف 41 عضوی عربستان، به این ائتلاف پیوسته، مقامات این کشور اعلام کردند که تصمیم نهایی در این راستا هنوز گرفته نشده است. به گفته این روزنامه، مقامات پاکستانی برای سعودی ها روشن کرده اند، در صورتی به این اتحاد و ائتلاف خواهند پیوست که هدف آن، صرفا مبارزه با تروریسم باشد و نه مهار ایران.

ملک سلمان اکنون با چالش بسیار بزرگی روبه روست؛ چالشی که برای وی بیش از هر چیز موضوعی حیثیتی است. وی که داعیه دار رهبری جهان عربی - اسلامی در منطقه است، اکنون شاهد از دست رفتن همه تلاش های بیش از یک سال اخیر خود در راستای کشیدن دیواری امنیتی و نظامی به دور ایران است.

نماد بارزی از این دستپاچگی و آشفتگی را می توان در حمایت اساسی وی از مصر دید. در حالی که هنوز ماجرای واگذاری جزایر تیران و صنایع از سوی مصر به عربستان موضوعی تنش آفرین میان دو کشور است، ملک سلمان روز یکشنبه حمایت کامل خود را از مصر در راستای مبارزه با تروریسم (بعد از حمله وحشیانه داعش به مسیحیان قبطی) بیان کرده است.

امروز نیز ژنرال خلیفه هفتر، فرمانده نیروهای نظامی لیبی که اکنون در هماهنگی با مصر، مشغول مبارزه برای به دست گرفتن کنترل لیبی است، با انتقاد از قطر بیان کرده که این کشور و برخی دیگر از کشورها - که ظاهرا نخواستند نام آنها را بیاورد - به حمایت از تروریسم در لیبی مشغول هستند.

این بیان و این لحن یادآور سخنان اخیر مقامات سعودی در انتقاد از قطر است و می توان به خوبی درک کرد که اکنون ملک سلمان از غرب آسیا به شمال آفریقا می رود تا همچنان نشان دهد که ظرفیت های دیپلماتیک سعودی ها برای همراه نگاه داشتن متحدان احتمالی بالاست؛ اما خود او نیز به خوبی می داند آنچه بیش از همه برای او در ائتلاف ضد ایرانی و ناتوی عربی اش مهم بود، مسأله جغرافیاست.

ناتوی عربی به شکلی که پیش از این در بسیاری از رسانه های خارجی مطرح بود و بسیاری از تحلیلگران به آن پرداخته بودند، اکنون در حال محو شدن است. عدم ساز و کارهای امنیتی مشخص، شکاف های ایدئولوژیک و سیاسی بزرگ و عمیق در میان کشورهایی که قرار بوده، عضوی از این ناتو باشند، فقدان معضله امنیتی مشترک در میان کشورهای مطرح در این مسأله، عدم عامل هویت بخش برای این ائتلاف و در کل عدم درک صحیحی از مبانی اتحاد و ائتلاف از سوی سردمداران این ناتوی عربی،

همگی اکنون موضوعات جدی برای فروپاشی این ایده از درون هستند. آنچه شاید به ظاهر بتواند همچنان پوسته ای از ائتلاف علیه ایران در منطقه را برای ملک سلمان حفظ کند، همراهی ایالات متحده و نزدیکی به رژیم اسرائیل است. در واقع این دو نطقه ای هستند که تمامی تلاش های خاندان آل سعودی برای مهار ایران در منطقه را تقویت می کنند و البته این نقاط، دقیقاً نقاطی هستند که ماهیت اصلی تقابل های عربستان با ایران را نیز به خوبی نشان می دهد.